



داستان و آموزش تاریخ

نویسنده: عزت پور، عدالت
اطلاع رسانی و کتابداری :: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا :: شهریور 1390 - شماره 160
از 35 تا 37
آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/961060>

دانلود شده توسط : حمیدرضا منصوریان
تاریخ دانلود : 1393/04/10 02:29:06

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.com

داستان و آموزش تاریخ

عدالت عزت پور
کارشناس ارشد تاریخ

چکیده

کودکان و نوجوانان برای هویت‌یابی باید بیاموزند چه گذشته‌ای داشته‌اند، باید بدانند که به طور خاص، نیاکان و اجداد آنان و به طور عام، گذشتگان برای آن‌ها چه میراثی را به یادگار گذاشته‌اند. به همین دلیل، ضرورت دارد جریان تاریخی به آنان آموزش داده شود. زیرا با آگاهی از تاریخ، می‌توانند مناسبات دنیای کنونی را درک کنند و بیاموزند که زمان حال، از گذشته شکل گرفته است و با یاری گرفتن از جریان‌های گذشته و بهره‌گیری از آن‌ها در زمان حال، می‌توانند آینده‌ی بهتری را بسازند. بنابراین، فراگرفتن تاریخ برای کودکان و نوجوانان از همان سنین کودکی ضروری به نظر می‌رسد. برای این کار، ابزارهای آموزشی مختلفی وجود دارد که یکی از این ابزارها، آموزش تاریخ از طریق داستان است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ، داستان، آموزش، کودک و نوجوان

نسبت تاریخ و داستان

تاریخ یا «History»، علم به وقایع مستمر و متکامل در یک مقطع از زمان و مقاطع مختلف است. تاریخ را می‌توان مطالعه‌ی حیات اجتماعی انسان‌ها در زمان، همراه با تحلیل برای نوسازی و معرفت و آگاهی نسبت به آینده تعریف کرد و آموزش تاریخ، به مفهوم شناخت احوال و سرگذشت جوامع، اقوام و ملت‌های جهان بر اساس متون، مدارک، اسناد، اخبار، آثار تاریخی و بررسی آن‌ها با روش‌های علمی است.

داستان یا «Story»، نیز، مانند واژه‌ی تاریخ هنوز تعریف دقیقی از آن، که همه بر آن اتفاق نظر داشته باشند به دست داده نشده است. داستان، تصویری عینی است از چشم‌انداز و برداشت نویسنده از زندگی. هر نویسنده، فکر و اندیشه معینی درباره زندگی دارد یا نحوه برخوردش با زندگی، فلسفه زندگی او را مجسم می‌کند. در ضمن، هر نویسنده، چون هر کس دیگر، احساس بخصوصی از زندگی دارد و این احساس صمیمانه با فکر و اندیشه در ارتباط است؛ در واقع، افکار و اندیشه‌ها را نمی‌توان از احساسات و عواطف جدا کرد. این افکار و احساسات گاهی به هم آمیخته و پیوسته‌اند و گاه در برابر هم قرار می‌گیرند. از این رو ممکن است نویسنده‌ای قادر نباشد احساسات خود را با افکاری که برایش مهم است مرتبط کند اما می‌تواند این احساسات را در تخیل «شخصیت‌ها» و «عمل داستانی» تشریح و تجربه کند، همین داستان را می‌آفریند. بنابراین داستان، نمایش کوششی است که سازگاری افکار و عواطف را موجب می‌شود.^۱

با توجه به تعاریف تاریخ و داستان، تبیین رابطه‌ی این دو واژه، همیشه مشکل بوده است. در بسیاری از زبان‌های اروپایی، برای تاریخ و داستان، یک واژه وجود دارد؛ مثل: «Histoire» در فرانسه و «storia» در ایتالیایی و در زبان انگلیسی نیز «Story» جزو اصلی «History» است.^۲

بنابراین، واژه‌های «History» و «Story»، برخی از صاحب‌نظران را بر آن داشته است که این دو واژه را از یک ریشه به حساب آورند و تاریخ را با داستان، دارای رابطه بدانند. چنان‌که برخی می‌نویسند: میان داستان و تاریخ قرابت وجود دارد و از همین رو، کتابی به نام مجمل التواریخ و القصاص نوشته شده است. قرآن نیز احوال پیامبران و اقوام گذشته را که برای عبرت آورده است، «قصص» خوانده است. و در امثال شاهنامه، قصص همان مفهوم تاریخ را با روایات واقعی دارد. آ. جی. جی. رنیر، مورخ هلندی می‌نویسد: تاریخ، داستان تجارب انسان‌های فعال در جوامع است. بنا به گفته‌ی ولتر، تاریخ،

کودکان و نوجوانان باید نوعی معرفت نسبت به تاریخ داشته باشند، زیرا معرفت به تاریخ، حسّی از تاریخت به همراه می‌آورد؛ یعنی احساس این‌که ما بخشی از مجموعه‌ای هستیم که طی قرن‌ها، از مدّت‌ها قبل از تولدمان تا مدّت‌ها بعد از مرگمان جریان دارد

تاریخی خود، افتاده است.^۴ در واقع، کودکان و نوجوانان باید نوعی معرفت به تاریخ داشته باشند، زیرا معرفت به تاریخ، حسّی از تاریخت به همراه می‌آورد؛ یعنی احساس این‌که ما بخشی از مجموعه‌ای هستیم که طی قرن‌ها، از مدّت‌ها قبل از تولدمان تا مدّت‌ها بعد از مرگمان جریان دارد.^۵ اگر این شناخت و معرفت تاریخی حاصل شود همیشه با او همراه خواهد بود، اگرچه در جای دیگری به غیر از سرزمین خود زندگی کند، زیرا کودک و نوجوان به این شناخت دل می‌بندد و با آن رشد می‌کند. ولی اگر کودک و نوجوان با این شناخت و معرفت تاریخی آشنا نباشد افرادی سرگشته خواهد بود و این احتمال وجود خواهد داشت که علایق قومی و ملی خود را از دست داده و چون شناخت و علایق تاریخی ندارد به جز، منافع شخصی و منافع روزمره هیچ نوع هدف دیگری را در زندگی نخواهد داشت.^۶

بنابراین، با آموزش تاریخ برای کودکان و نوجوانان، اولاً؛ انباشت اطلاعات که امر فراگیری و تشخیص درست و نادرست را دشوار می‌سازد، به وجود نمی‌آید. دوماً؛ کودکان و نوجوانان از راه خواندن کتاب‌های تاریخی کشور خود و دیگر کشورها، از یکسونگری، بزرگ‌بینی غیر واقعی ملت و سرزمین خود و خوارداشت دیگر ملت‌ها و سرزمین‌ها بازداشته می‌شوند و تفاهم و درک متقابل را می‌آموزند.

البته، در این آموزش، باید به جنبه‌های مثبت و منفی حوادث در تکوین و تشکیل مسیر تاریخی پرداخته شود و به عنوان مثال: یک دوره‌ی ساده و کوتاه از جریان‌های برجسته‌ی تاریخ ایران در کتاب‌های کودکان و نوجوانان جای بگیرد و به آن‌ها از همان دوران کودکی آموزش داده شود؛ مسائلی مانند: افت یک سلسله‌ی حاکم چگونه اتفاق افتاد؟ اینکه تاریخ و این دوران خاص چه دستاوردی داشته، چه تحولی به وجود آورده و چه کمکی کرده است؟ جنبه‌های مثبت و منفی آن چه بوده و اشتباهات و غفلت‌های آن به چه صورتی بوده است؟ همکاری مردم در این دستاوردها به چه نحو بوده است؟ نخبگانی که سخنگوی مردم هستند و آثارشان در سطح نمایان تری حرکت می‌کند چه کرده‌اند؟ و غیره.^۷

آموزش تاریخ از طریق داستان

آموزش تاریخ، باید با تقویت حس کنجکاوی، دقت علمی، علاقه، تفکر و ابداع و خلاقیت همراه باشد. با کودکان و نوجوانان نمی‌توان از رخداد‌های تاریخی و پادشاهان و سیاستمداران، مانند تاریخ‌نگاران و تاریخ‌دانان حرفه‌ای صحبت کرد. با آن‌ها، گذشته باید به شکل داستان و افسانه بیان شود، هرچند

قصه‌ای است که به عنوان حقیقت روایت می‌شود در صورتی که قصه، تاریخی است که آن را به عنوان دروغ نقل می‌کند.^۸ برخی از مورخان بزرگ؛ مثل گیبون و چرچیل، داستان‌سرایان بزرگی بودند. تی‌لور یکی از بهترین مورخان و داستان‌سرایان قرن بیستم اظهار می‌دارد: ما نباید از اینکه تاریخ در اصل، شکلی از داستان‌گویی است شرمگین باشیم... نمی‌توان از این واقعیت فرار کرد که وظیفه‌ی اصلی مورخان، پاسخ به این سوال کودکان است که بعداً چه اتفاق خواهد افتاد.^۹

تفاوت تاریخ و داستان

با وجود نظرات مختلفی که در رابطه‌ی تاریخ و داستان وجود دارد، این دو واژه با هم فرق دارند:

- داستان، برخلاف تاریخ در همه‌ی داده‌های خویش بر واقعیات استوار نیست و به همین جهت، هیچ محدودیتی در خلق و ساختن ندارد. در حالی که تاریخ نمی‌تواند خارج از واقعیت سخن براند و یا به عبارت دیگر، در داستان، رویدادها آن‌طور که مقتضی است ابداع می‌شوند ولی در تاریخ بر اساس واقعیات.^{۱۰}
- داستان به پژوهش و جستجو در منابع نیازی ندارد و می‌تواند بر اساس گمان و حدسیات به جلو برود و تصویری ارائه دهد در حالی که تاریخ، تنها به کشف و پرده‌برداری از واقعیات بر اساس منابع می‌پردازد.
- داستان؛ فن و هنر است که بر توانایی و حافظه استوار است بی‌آن‌که نیازی به دانش و اطلاعات واقعی داشته باشد اما تاریخ، دانش مبتنی بر روش‌های تعریف شده است.

آموزش تاریخ برای کودکان و نوجوانان

با آموزش تاریخ برای کودکان و نوجوانان به صورت علمی و هدفمند، می‌توان آن‌ها را از سنین کودکی به این رشته علاقه‌مند کرد و با راهکارهای جدید آموزشی در رشته‌ی تاریخ و ایجاد علاقه در کودکان، با تشویق آن‌ها به خواندن کتاب‌های تاریخی و مشارکت فعال در یافتن و گردآوری داده‌های تاریخی، پیوند آن‌ها را با گذشته و نسل‌های پیشین، محکم و استوار کرد. بنا به سخنان آقای ندوشن: تاریخ، حافظه‌ی بشری است همان‌طور که یک انسان حوادث گذشته‌ی خودش را از کودکی تا دوران بعدی در حافظه‌ی خود نگهداری می‌کند و کل شخصیت او را همین حافظه تشکیل می‌دهد، تاریخ نیز حافظه‌ی قومی و حافظه‌ی یک ملت است و اگر انسان حافظه‌ی خود را از دست بدهد و دچار فراموشی تاریخی شود از انسانیت و هویت و شخصیت

آموزش تاریخ

در سنین کودکی و به‌خصوص بین پنج تا دوازده سالگی می‌توان با گسترش درس تاریخ به مطالب خارج از کتاب و کلاس و ارائه‌ی راهکارهای جدید، که یکی از آن‌ها آموزش تاریخ از طریق داستان است، در یادگیری و تشویق کودکان و نوجوانان به فراگیری این رشته، کمک شایانی کرد

نتیجه‌گیری

آموزش تاریخ برای کودکان و نوجوانان یک امر ضروری و مهم است که در پرتو آن و با استفاده از تجارب تاریخی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... می‌توان به آنچه برای پیشرفت و تکامل یک سرزمین ضروری است، دست یافت. کودکان و نوجوانان، اگرچه با تعریف تاریخ و ارزش و اهمیت این علم در سیر تاریخی بشر آشنا می‌شوند، با توجه به گسترده بودن مطالب و حوادثی که روی داده است و آموزش‌هایی که به طور خسته‌کننده‌ای به جنگ‌های مختلف و نام پادشاهان و سیاستمداران و مکان‌ها و... می‌پردازند به یادگیری تاریخ، رغبت نشان نمی‌دهند. بنابراین، در سنین کودکی و به‌خصوص بین پنج تا دوازده سالگی می‌توان با گسترش درس تاریخ به مطالب خارج از کتاب و کلاس و ارائه‌ی راهکارهای جدید، که یکی از آن‌ها آموزش تاریخ از طریق داستان است، در یادگیری و تشویق کودکان و نوجوانان به فراگیری این رشته، کمک شایانی کرد.

پی‌نوشت

۱. میرصادقی، جمال (۱۳۶۲). عناصر داستان. تهران: شفا، ج ۲، ص ۱۷.
۲. فارمر، آن؛ کوپر، کریستین (۱۳۸۱). «قصه‌گویی در تاریخ». ترجمه‌ی جمشید نوروزی؛ مرجان نگهبی، فصلنامه‌ی رشد آموزش تاریخ، شماره ۹، ص ۳۵.
۳. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲). تاریخ در ترازو. تهران: امیرکبیر، ص ۲۸.
۴. Renier, G.J., ۱۹۶۵. History: Its purpose and method. George Allen and Unwin. P.۳۳.
۵. زرین کوب، پیشین، ص ۲۸.
۶. فارمر، پیشین، ص ۳۵.
۷. استفورد، مایکل (۱۳۸۶). درآمدی بر تاریخ پژوهی. تهران: سمت، ج ۲، ص ۱۴۶.
۸. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۸۱). «گفتنی‌های تاریخ برای بچه‌ها (گزارش نشست فرهنگی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان)». کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۶۲، ص ۱۳۳.
۹. استفورد، پیشین، ص ۸۹.
۱۰. اسلامی ندوشن، پیشین، ص ۱۱۲۷.
۱۱. همان، ص ۱۲۳.
۱۲. استفورد، پیشین، ص ۱۰۵.
۱۳. خسروی، شمس (۱۳۸۲). «داستان تاریخی یا تاریخ داستانی». ادبیات داستانی، شماره ۷۱، ص ۷۴.
۱۴. فارمر، پیشین، صص ۳۳-۳۵.
۱۵. ندوشن، پیشین، ص ۱۱۳.
۱۶. فارمر، پیشین، ص ۳۶.

یک دیدگاه عمومی بر این است که دانش آموزان باید بیاموزند به گذشته‌ی تاریخی و به متون تاریخی، مانند تاریخ‌نگاران حرفه‌ای نزدیک شوند. مفیدترین شیوه‌ی آموزش تاریخ این است که بافت و زمینه‌ی عمیق و گسترده‌ای را که رویدادهای تاریخی در آن واقع شده‌اند را قابل فهم و درک سازیم^{۱۲} به عنوان مثال: تاریخ را برای کودکان به زبان داستان بازگو کنیم، زیرا داستان، کنش بیش‌تری را دارد و بیش‌تر مورد علاقه‌ی کودکان است. البته، آموزش تاریخ از طریق داستان، هنر مشکلی است زیرا وقایع و حوادث تاریخی را باید به گونه‌ای بیان کرد که خشکی خودش را از دست بدهند و همان تأثیری را داشته باشند که داستان‌ها دارند.

ترکیب این دو هنر (تاریخ و داستان)، هنری است که معلم و یا نویسنده باید آن را داشته باشد و بتواند حوادث تاریخی را به گونه‌ای در قالب داستان بریزد که کم و کاستی و یا افزایشی در حوادث تاریخی که به صورت داستان درآمده است، به وجود نیاید و در واقع، آن را به طرف افسانه سوق ندهد. زیرا، عنصر اصلی در تعریف تاریخ، واقعیت خارجی است؛ یعنی با حذف این وجه، دیگر تاریخ، کارکرد خود را از دست می‌دهد و به اخبار کاذبی از گذشته تبدیل می‌شود. از سوی دیگر، در تعریف داستان، این قالب هیچ‌گاه نمی‌تواند بدون تخیل شکل بگیرد و تخیل، همواره عنصر تفکیک‌ناپذیر داستان است.^{۱۳} به هر حال، امروزه بسیاری از مورخان، معلمان و کارشناسان تعلیم و تربیت پذیرفته‌اند که داستان‌گویی در کلیه‌ی سطوح و به‌خصوص در سنین کودکی و نوجوانی در قلب آموزش تاریخ قرار دارد و بیش‌تر کارشناسان تاریخ آموزش و پرورش موافق هستند که کودکان، به شدت به داستان علاقه دارند و برای آنان در راه یادگیری تاریخ و درک گذشته، داستان (غالباً به طور حیرت‌انگیزی) نقش مهمی دارد. عده‌ای از صاحب‌نظران نیز معتقدند: تفکر دانش‌آموزان سطوح پایین و تصور آنان از گذشته، متأثر از داستان‌هاست. تفکر داستانی، ابزار اصلی در آموزش و یادگیری تاریخ است، داستان‌ها در افزایش شناخت کودکان مهم هستند و بر رشد عقلانی آن‌ها اثر دارند زیرا، کودکان از طریق قدرت تخیل قوی داستان برای ایجاد دنیای جدید فرا خوانده می‌شوند و داستان‌ها موجب افزایش شناخت کودکان از جهان می‌شوند.^{۱۴} مطالب واقعی و عقلانی همراه تخیل است که ذهن انسان را باز می‌کند و این کار در کودکی بهتر انجام می‌گیرد، زیرا هر چه انسان بزرگ‌تر می‌شود، تخیل او ضعیف‌تر می‌شود و نمی‌تواند آن را به کار بیندازد.^{۱۵} به همین دلیل، داستان‌ها در تفکر کودکان نقش بارزی دارند و نقل داستان‌ها، باعث غنای تاریخی و محسوس‌تر شدن تجزیه و تحلیل کودکان می‌شود.^{۱۶}